



برلین - ۲۴ سپتمبر ۲۰۱۸



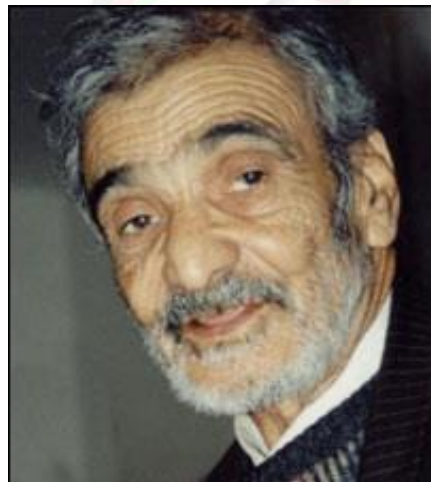
خليل الله معروفی

يادداشت

استقباليه از غزل استاد "فدائی هروی" از صفحه هشتم اپریل ۲۰۱۴ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" جهت مطالعه خوانندگان ارجمند "آريانا افغانستان آنلاين" تقديم ميگردد:

استقبال از غزل شيخ الشعراء

استاد "فدائی هروی"



شيخ الشعراء استاد "فدائی هروی"

در صفحه امروز، هفتم اپریل وبسایت "رزمندگان" غزلی بیحد عالی از استاد سخن و شيخ الشعراء، "فدائی هروی" با مطلع ذیل نظرم را جلب کرد:

نقشها باشد به زیر دلق سالوس بهار
تا که بزم آرای گلشن گشت طاوس بهار

صرف نظر از زیبایی خاص این شعر "استاد فدائی"، که از شهواریش هرگز نتوان انکار کرد، چون قافیه را تنگ و بل تنگ تنگ دیدم، کوشیدم، که اندر همین قافیۀ ضیق و محدود، باری طبع خود را بیازمایم. در اول اما مایلیم، که غزل آبدار استاد فدائی را عیناً نقل کنم:

افسوس بهار

نقشها باشد به زیر دلوق سالوس بهار
وسعت صحرا ز بس تنگ است و گلشن تیره رنگ
غنچه ها را تا کند از پرده عصمت برون
تا که ناقوس مذلت را به فریاد آورد
نغمه آزاد مرغمان چمن را در گلو
شاد نتوان زیستن ای دل که درس آرزو
شیوه اش با ساکنان باغ جز نیرنگ نیست
گر بهار زندگی این است و فرصت اینچنین
وای افسوس بهار، ای وای، افسوس بهار

و این است آن نشیده ای، که به همین مناسبت و از همین خاستگاه فشرده و ضیق، از طبع خودآموز و نوآموز این درویش - خلیل الله معروفی - برخاسته است:

کوس بهار

بی نوا چون گشته یکدم، حلق ناقوس بهار
حلقه اسباب گیتی، چون فتاده تنگ تنگ
گر مُرادم را، صفای پهنه نیسان نساخت
در طبیعت تا ببینی، هست گلشن رنگ رنگ
رگ رگ گل میتپد از درد بیدرمان شوق
این همه از فیض عشق و عشوه سرشار اوست
شعر خوش تا سر زند از طبع ناساز منی
طبع شعر و شاعری کی بشگفت از مغز دل
نظم سُست من نگر بیحد عقیم افتاده است
می زند سازنده ایتم، بر کوس بهار
میروم هر دم، به استقبال و پابوس بهار
نیستم هرگز ز چاک سینه، مأیوس بهار
این چنین بوده همیشه، لطف پنتوس بهار
گشته تا آغشته با مکروب و ویروس بهار
همچنین بوده ست، بر اوراق قاموس بهار
میمکم دزدانه، از پستان جاموس بهار
تا نشد قریبان روی و موی ملموس بهار
تا شده طبع "فدائی"، زیب و مأنوس بهار
رنگبازیهها نشد، از خاطر سور "خلیل"
تا فشانند پر، ز لال و قره و توس بهار

شرح لغات:

- "سازنده" کلمه زیبای دری و ظاهراً در معنای "ساز کننده" است، اما در عمل آن را برای "خواننده و نوازنده" استعمال میکنند. این ترکیب زیبا در زبان عامیانه کابلی بسیار و به وفرت استعمال میگردد، در حالی، که زبان ادبی و به اصطلاح غلط "معیاری" دری، آن را به کلی فراموش کرده است. "سازنده" در همین مفهوم مروج دری کابلی در زبان بزرگان متقدم ما نیز رائج بوده است. درین باره در مقاله تحقیقی "سرگی و دیرپائی لغات و اصطلاحات در زبان عامیانه دری"، که ضمن سلسله "به کهنه خود بساز ..." در همین سایت "آریانا افغانستان آنلاین" منتشر گشته، به تفصیل سخن رفته است.

- "جاموس" کلمه عربی و معرّب "گومیش" است.

- رنگبازی و سور و لال و قره و توس، اصطلاحات پربازی یا قطعه‌بازی اند.

(خلیل الله معروفی - برلین - صبح هفتم اپریل ۲۰۱۴)

